

بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی

خلاصه

مقدمه: خرد مفهوم جدیدی نیست که امروزه از نظر فنی در عصر اطلاعات پیشرفته ایجاد شده باشد. بلکه، خرد مضمونی ضمنی از باستان را به همراه دارد و ظاهراً فراسوی زمان، دانش و حتی فرهنگ است. هدف این مطالعه بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی است.

روش کار: این پژوهش شامل ۱۰۱۶ نفر از افراد به روش نمونه‌گیری در دسترس بود. دامنه سنی آن‌ها ۷۱ - ۱۸ سال و شامل ۵۱۹ نفر زن و ۴۹۷ نفر مرد بودند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته شامل ۲۰۶ صفت استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل عاملی انجام شده سه عامل موثر را نشان داد: خودمحوری، اندیشمندی و مردم‌دوستی، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میانگین عامل اول با مقدار ۲/۴۹ نسبت به دو میانگین عوامل اندیشمند بودن و مردم‌دوست بودن که ۵/۶۲ و ۵/۴۶ هستند بسیار کمتر است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مفهوم خرد یک مفهوم چندبعدی است. مردم خردمند افرادی اندیشمند و مردم‌دوست هستند. در مقابل، مردم غیرخردمند افرادی هستند که خودمحور بوده و صفات توأم با کینه‌توزی نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: بزرگسالان، خرد، صفات شخصیتی

*حسین ملک محمدی

دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، سازمان بهزیستی، شهرستان ری، تهران، ایران

حسین رحمانی شمس
کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، سازمان بهزیستی، شهرستان ری، تهران، ایران

قاسم حشمت
کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، ایران

بهروز فرامرزی راد
کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، ایران

*مؤلف مسئول:

سازمان بهزیستی، شهرستان ری، تهران، ایران
hmm.psy@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ تایید: ۹۵/۱۲/۲۵

مقدمه

خرد، سازه ای است که توسط تاریخچه فرهنگ غنی و تداعی‌های پیچیده توصیف می‌شود. در میان تاریخ و فرهنگ‌ها، خرد به‌عنوان نمونه آرمانی دانش و منش انسان، مطرح بوده است. برای مثال ایرانیان باستان در حوزه شناخت و جهان‌بینی خود، خرد را مورد توجه قرار داده و در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و دینی خود برای آن ارج بسیار قایل شده‌اند. در نظر آنان، خرد مجموعه دانش و آگاهی‌های لازم برای انجام امور و پیشبرد کارها است و همه دانش‌ها و توانایی‌هایی که یک انسان را در راه‌گزینش درست و انجام به‌موقع کارها یاری می‌کند خرد نامیده‌اند (۱). تا اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ هیچ پژوهش تجربی در خصوص خرد صورت نگرفته بود و عمده مباحث صورت گرفته در حوزه‌های دین، فلسفه و ادبیات بوده است. مطالعه روانشناختی خرد در حدود اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به‌منظور جستجوی توانمندی‌های دوران سالخوردگی، شروع شد. استرنبرگ نظریه‌های خرد را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: نظریه‌های آشکار^۲ و نظریه‌های ناآشکار^۳ نظریه‌های آشکار توسط روانشناسان یا سایر دانشمندان ساخته می‌شود و توسط داده‌هایی که از عملکرد مردم به‌دست می‌آید، ارزیابی می‌شوند. بخش زیادی از نظریه‌های آشکار مشتق شده از نظریه‌های ناآشکار هستند. برای درک بهتر نظریه‌های آشکار، لازم است که نظریه‌های ناآشکار زیربنایی آنها را بشناسیم. نظریه‌های ناآشکار توسط مردم، توسط آنچه که در ذهن‌شان قرار دارد، ساخته می‌شود. این نظریه‌ها نیازمند کشف هستند تا ابداع، اکتشاف این نظریه‌ها برای تدوین نظرگاه‌های فرهنگ عمومی سودمند است. به‌عنوان مثال افراد باهوش یا خلاق و یا خردمند با چه صفاتی توصیف می‌شوند. درک نظریه‌های ناآشکار می‌تواند به ما در درک و فراهم ساختن پایه‌هایی برای نظریه‌های آشکار کمک کند (۲).

پژوهش حاضر از نوع نظریه‌های ناآشکار می‌باشد. کلایتون و بیرن^۴ از رویکرد نظریه‌های ناآشکار استفاده کردند. آنها به ۸۳ بزرگسال فهرستی از ۱۲ توصیف‌کننده خرد و لغات خردمند^۵، سالخورده^۶ و خودم^۷ را دادند سپس به آزمودنی‌ها آموزش دادند تا فهرست را براساس شباهت‌هایشان درجه‌بندی کنند. تحلیل مقیاس‌سازی چندبعدی از داده‌های به‌دست آمده، سه بُعد را به دست داد، که کلایتون و بیرن آنها را به عنوان شناختی^۸ (دانا، حاذق، باهوش، عمل‌گرا)، تاملی^۹ (درون‌نگر و شهودی) و عاطفی^{۱۰} (همدل، صلح‌جو و متین) توصیف کردند (۳).

هولیدی و چاندلر^{۱۱} نیز از رویکرد نظریه‌های ناآشکار برای درک خرد استفاده کردند. آنها از ۱۵۰ بزرگسال خواستند تا مفهوم خرد را توصیف کنند. در مطالعه دوم، گروهی دیگر از ۱۵۰ بزرگسال، ۷۹ صفت توصیف‌کننده خرد در مطالعه اول را در یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی کردند. از تحلیل عاملی داده‌ها یک مدل ۵ عاملی به‌دست آمد. آنها آن عوامل را درک استثنایی^{۱۲}، قضاوت و مهارت‌های ارتباطی^{۱۳}، شایستگی‌های عمومی^{۱۴}، مهارت‌های میان‌فردی^{۱۵} و ناخودنمایی اجتماعی^{۱۶} نامیدند (۴).

در رویکردی مشابه، استرنبرگ در ۱۹۸۵ از متخصصان هنر، تجار، فلاسفه، فیزیکدان‌ها و عامه مردم خواست تا فرد خردمند ایده‌آل در حوزه شغلی و در میان عامه مردم را توصیف کنند. داده‌های به دست آمده توسط گروهی از دانشجویان در یک مقیاس ۹ درجه‌ای درجه‌بندی شدند. تحلیل مقیاس‌سازی چندبُعدی نانمتریک شش بُعد به دست

⁴Clayton and Birren

⁵Wise

⁶Aged

⁷Myself

⁸Cognitive

⁹Reflective

¹⁰Affective

¹¹Holliday and Chandler

¹²Exceptional Understanding

¹³Judgment and cCommunication Skills

¹⁴General Competencies

¹⁵Interpersonal Skills

¹⁶Social Unobtrusiveness

¹Wisdom

²Explicit Theories

³Implicit Theories

داد که استرنبرگ آنها را توانایی استدلال^۱، ژرف‌نگری^۲، یادگیری از ایده و محیط^۳، دانایی^۴، قضاوت^۵ و استفاده سریع از اطلاعات^۶ نامید (۵).

در مجموع پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که خرد به‌عنوان یک سازه چندبُعدی بهتر توصیف می‌شود.

هدف از مطالعه حاضر بررسی این موضوع است که تصور افراد از خرد تا چه حد مرتبط با صفات شخصیتی است. همچنین هدف دیگر، برقراری مجموعه از داده‌های هنجاری است که بتواند برای اهداف پژوهشی آتی مورد استفاده قرار گیرد، از آنجا که مفهوم خرد میان فرهنگ‌های مختلف شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد (۶)، مطالعه حاضر برای بررسی مفهوم خرد در جامعه ایران طراحی شده است.

روش کار

در این مطالعه ۱۰۱۶ نفر شرکت کردند که ۴۹۷ نفر از آنها مرد و ۵۱۹ نفر دیگر زن بودند. در تحلیل عاملی برای هر متغیر ۵ نمونه توصیه شده است (۷) و تعداد سوال‌های پرسشنامه ۲۰۶ عدد است. دامنه سنی شرکت کنندگان بین ۱۸ تا ۷۱ سال است و اکثر شرکت کنندگان دارای سنی در حدود ۱۸ تا ۳۰ سال دارند. همچنین از نظر تحصیلات بیشتر شرکت کنندگان زن و مرد دارای تحصیلاتی بین دیپلم تا فوق لیسانس بودند، به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات و پاسخ‌های آنها محرمانه خواهد بود.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش در مطالعه حاضر شامل یک پرسشنامه محقق ساخته بود که شامل ۲۰۶ صفت بود. کلیه صفات از فرهنگ فارسی معین انتخاب شدند. در انتخاب صفات ملاحظات زیر مدنظر قرار گرفت. صفاتی انتخاب شدند که معنای روشنی برای آزمودنی داشته باشد و از انتخاب صفات دشوار پرهیز شد. تلاش شد از صفات مثبت و منفی به یک اندازه استفاده شود. همچنین تلاش گردید صفاتی در پرسشنامه قرار گیرند

که ارتباط بالا، متوسط و پایین با خرد داشته باشند. فهرست صفات به‌دست آمده به‌صورت یک پرسشنامه ۷ درجه‌ای تدوین شد که عدد ۱ کمترین میزان صفت و ۷ بیشترین میزان صفت در شخص خردمند است. پرسشنامه در اختیار مشارکت کنندگان قرار داده شد. از آنها خواسته شد میزان صفات ارائه شده در پرسشنامه را برای افراد خردمند درجه‌بندی کنند، روش آماری مورد استفاده تحلیل عاملی اکتشافی است. برای بررسی ساختار عاملی مقیاس از شیوه عامل‌یابی محورهای اصلی و دو شیوه چرخش متعامد (واریماکس) و متمایل (ابلیمین) استفاده شد. پایایی آزمون در سه عامل استخراج شده نیز از طریق آلفای کرونباخ و به شیوه همسانی درونی بررسی شد. مقادیر به‌دست آمده از پایایی سه عامل استخراج شده که در قطر ماتریس همبستگی گزارش شده است نشان داد که عامل خودمحوری، اندیشمندبودن و مردم‌دوستی به ترتیب با ۰/۹۷، ۰/۹۵ و ۰/۹۳ دارای پایایی مطلوبی برای اندازه‌گیری صفت افراد خردمند هستند.

نتایج

کلیه شرکت کنندگان از نظر سن، تحصیلات و جنسیت در جدول ۱ تفکیک شده‌اند.

¹Reasoning Ability

²Perspicacity

³Learning from Ideas and Environment

⁴Sagacity

⁵Judgment

⁶Expeditious of Information

جدول ۱- توزیع فراوانی شرکت کنندگان از نظر جنسیت، سن و سطح تحصیلات

تحصیلات	سیکل		دیپلم		فوق دیپلم		لیسانس		فوق لیسانس		دکتری		کل	
	۰	۰	۲	۴	۳	۳	۱	۳	۰	۰	۱	۰	۷۸	۱۰۷
۱۸ تا ۲۰	۰	۰	۷	۶	۹	۱	۱	۳	۰	۰	۱	۰	۷۸	۱۰۷
۲۱ تا ۲۳	۰	۰	۱	۳	۱	۱	۷	۶	۰	۲	۰	۰	۲۰۱	۸۴
۲۴ تا ۲۶	۰	۰	۶	۶	۸	۸	۳	۳	۸	۴	۱	۰	۶۰	۶۵
۲۷ تا ۲۹	۱	۲	۲	۴	۵	۹	۲	۳	۷	۸	۱	۰	۳۷	۷۰
۳۰ تا ۳۲	۱	۱	۵	۴	۳	۷	۱	۳	۷	۰	۱	۱	۲۷	۶۵
۳۳ تا ۳۵	۰	۰	۲	۲	۴	۲	۹	۱	۳	۴	۱	۱	۱۹	۳۵
۳۶ تا ۳۸	۰	۰	۱	۵	۱	۱	۳	۱	۵	۳	۳	۰	۱۳	۱۹
۳۹ تا ۴۱	۰	۰	۳	۳	۵	۰	۷	۴	۲	۶	۱	۰	۱۴	۱۵
۴۱ تا ۵۰	۱	۱	۷	۷	۷	۵	۱	۱	۸	۶	۱	۶	۳۹	۴۴
۵۱ تا ۶۰	۰	۰	۱	۳	۲	۳	۱	۳	۳	۴	۰	۰	۷	۱۳
۶۱ تا ۷۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۲	۲
کل	۳	۴	۷	۵	۷	۸	۱	۸	۲	۴	۱	۱	۴۹۷	۵۱۹

در گام اول میانگین و خطای استاندارد محاسبه شد تا مشخص شود که آیا افراد سطوح متفاوتی از خرد را به صفات شخصیتی گوناگون ارتباط داده‌اند. در جدول ۲ هر ۲۰۶ صفت براساس میانگین در ۶ طبقه مرتب شدند. در ردیف ۱-۲ صفاتی قرار دارند که میانگین عددی صفات بین ۱ و ۲ قرار دارد و کمترین میزان خرد را به خود اختصاص می‌دهند و صفاتی که در ردیف ۶-۷ قرار دارند میانگین عددی شان بین ۶ و ۷ قرار دارد و بیشترین میزان خرد را دارند. همچنین در درون هر یک از این ۶ طبقه نیز صفات براساس بیشترین به کمترین میانگین مرتب شده‌اند. سه صفتی که بیشترین میانگین را داشتند عبارت از:

مسئولیت‌پذیر (میانگین، ۶/۱۸)، متفکر (میانگین، ۶)، اهل اندیشه (میانگین، ۵/۹۸). سه صفتی که کمترین میانگین را داشتند عبارت از: نادان (میانگین، ۱/۷۱۱)، احمق (میانگین، ۱/۷۱۹)، بی‌ادب (میانگین، ۱/۸۸). کمترین خطای استاندارد متعلق به صفت مسئولیت‌پذیر (۰/۰۳۶) و بیشترین خطای استاندارد متعلق به صفت فرصت‌طلب (۰/۰۶۰) بود. این پارامترهای پراکندگی کوچک حاکی از آن است که میان مشارکت‌کنندگان یک همگرایی اساسی در درجه‌بندی صفات وجود دارد که هر صفت را نوعاً به سطح صفت خاصی مرتبط می‌نماید.

جدول ۲- درجه‌بندی ۲۰۶ صفت شخصیتی براساس میانگین نمرات

نمره	صفات
۶-۷	مسئولیت‌پذیر، متفکر

۵-۶	اهل اندیشه، مودب، آینده‌نگر، هوشیار، اهل استدلال، باوجدان، باتربیت، روشنفکر، باعزت‌نفس، منطقی، وفادار، واقع‌بین، قابل‌اعتماد، باشعور، باثبات، خویشتن‌دار، فهمیده، استوار، راستگو، باتدبیر، دانا، باهوش، رازدار، عادل، صبور، قدردان، یاری‌رسان، صلح‌جو، توانا، باشهامت، قوی، خوش‌قول، با بصیرت، فداکار، خوش‌طینت، مطمئن، بردبار، امین، اخلاق‌مدار، متین، خودشناس، قانون‌مند، خوش‌قلب، منظم، نکته‌سنج، دلسوز، مباحث، سخت‌کوش، ژرف‌اندیش، بانصاف، باوقار، باکفایت، خلاق، معاشرتی، شجاع، دوست‌داشتنی، باگذشت، فعال، حسابگر، خشنود، تندرست، خوشرو، محبوب، جدی، کنجکاو، پراترزی، اجتماعی، باکفایت، باشرم، خوش‌بین، قاطع، انعطاف‌پذیر، مستقل، صرفه‌جو، مهربان، پرشور، بخشنده، کارکشته، شاد، ستودنی، متواضع، آراسته، همدل، آرمان‌گرا، پرتحرک، آرام، اهل معنویت، بی‌باک، خونگرم، محافظ‌کار، علایق‌گسترده، سرسخت، ملایم
۴-۵	جسور، پیشرو، آسوده، صاف و ساده، ماجراجو، چابک، رک‌گو، خوددار، محتاط، جذاب، بی‌ریا، عاطفی، اهل هنر، خودمانی، حساس، بی‌پروا، سر به زیر، بلندپرواز، کم‌توقع، لذت‌طلب، فرصت‌طلب، هیجانی، متعصب، سمج
۳-۴	سنت‌گرا، مطیع، تحریک‌پذیر، آسان‌گیر، کم‌حرف، خودمحور، منفع‌طلب، خیال‌پرداز، ایرادگیر، خودرای، وابسته، پرحرف، ولخرج، پرتوقع، زودرنج، نگران و سواسی، مضطرب، خجالتی، متکبر، مغرض، عجول، غمگین، بی‌اعتماد، کنایه‌زن، سلطه‌گر، مظاهر، نمایشی، لجوج، خودخواه، ناآرام، پرخاشگر، بی‌قرار، خشمگین، عصبی، حریص، مشکوک، خسیس، بی‌تفاوت، دمدمی‌مزاج، بی‌حوصله، بی‌اعتنا، موذی، بدبین، ترسو، ازخودراضی، حواس‌پرت، خودسر، پریشان، ستیزه‌جو، خودنما، ناخشنود، تندخو، ناسازگار، زورگو، حيله‌گر، بی‌عاطفه، غافل، بی‌دقت، عبوس، سبک‌سر، بی‌تجربه، پرافاده، کم‌عمق، بی‌ مهارت، ناپخته، شرور، ناامید، خرافاتی، مضحک، تنبل، ریاکار، دروغگو، کینه‌توز، شلخته، ناسپاس، بی‌عرضه، بی‌اراده، ضعیف‌النفس، بی‌مروت
۱-۲	بی‌وجدان، سست، ظالم، بی‌ادب، احمق، نادان

برای بررسی ساختار عاملی مقیاس ارزیابی صفات خردمند از شیوه عامل‌یابی محورهای اصلی و دو شیوه چرخش متعامد (واریماکس) و متمایل (ابلیمین) استفاده شد. معناداری اطلاعات موجود در یک ماتریس از طریق آزمون مربع کای بارتلت صورت گرفت که معنادار بودن این آزمون حداقل شرط لازم برای انجام دادن تحلیل عاملی است. در این مطالعه مقدار آزمون کرویت بارتلت ($\chi^2=73626/87$, $P=0/001$) با درجه آزادی ۹۱۸۰ نشان داد که این مفروضه برقرار است. به علاوه نتایج نشان داد مقدار شاخص کفایت نمونه‌برداری کیسر-مایر-الکین (۸) برابر با ۰/۹۷ بود در نتیجه امکان ساختار عاملی پرسشنامه فراهم شد (۹). پس از بررسی شاخص‌های کرویت و کفایت نمونه‌گیری ساختار عاملی پرسشنامه با بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴۵ به دلیل اینکه اولین بار است که در فرهنگ ایرانی ساختار خرد بررسی می‌شود پیگیری شد.

در گام بعدی ارزش‌های ویژه هر عامل، واریانس تبیین شده توسط هر عامل، ماتریس باقی‌مانده‌ها، نمودار سنگ‌ریزه‌ها و بارهای عاملی به دست آمده از هر صفت بر روی هر سه عامل بررسی شد. نتایج به دست آمده حاکی از این بود که سه عامل بهترین برازش را با داده‌ها دارند، به طوری که عامل اول، دوم و سوم با ارزش‌های ویژه ۳۲/۹۴، ۱۱/۴۱ و ۴/۷۶ و واریانس تبیین شده ۲۴/۲۲، ۲۴/۳۹ و ۳/۵۰ در کل ۳۶/۱۲ درصد از کل واریانس مقیاس را تبیین می‌کنند. عامل‌های بعدی واریانس در حد یک درصد تبیین می‌کردند که به همین دلیل کنار گذاشته شدند.

بارهای عاملی نیز شاخص دیگری بود که بررسی شد، نتایج به دست آمده نشان داد که صفات بارگذاری شده بر روی هر عامل اشتراک ناچیزی با عامل‌های دیگر دارد و به همین دلیل بود که چرخش واریماکس به عنوان چرخش متعامد که عامل‌ها مستقل از هم در نظر می‌گیرد استفاده شد.

پس از بارگذاری صفات بر روی عامل‌ها، بررسی صفاتی از نظر معنایی بر روی هر عامل حاکی از این بود که می‌توان عامل اول را خودمحوری، عامل دوم را اندیشمند بودن و عامل سوم را مردم‌دوستی نامید.

قبل از بررسی رابطه بین سه عامل استخراج شده از صفات فرد خردمند، میانگین وزنی آنها محاسبه شد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین عامل اول با مقدار ۲/۴۹ نسبت به دو میانگین عامل‌های اندیشمند بودن و مردم‌دوست بودن که ۵/۶۲ و ۵/۴۶ هستند بسیار کمتر است. میانگین طیف پاسخ‌دهی در این مقیاس برابر با ۴ است که نشان می‌دهد میانگین عامل اول بسیار کمتر از میانگین طیف و عامل‌های دوم و سوم بالاتر از میانگین هستند.

نتایج به دست آمده از ضریب تشخیص صفات بر روی هر عامل نشان داد که صفات‌های باقی‌مانده در مدل تحلیل عاملی اکتشافی دارای قدرت تشخیص افراد خردمند از غیرخردمند هستند. همچنین مقدار آلفای کرونباخ با حذف هر صفت در هر عامل نیز

بررسی شد که نتایج به دست آمده در این بخش نیز حاکی از این بود که صفت‌ها ارزش بالایی در عامل‌ها دارند و به همین دلیل صفتی پیدا نشد که با حذف آن مقدار آلفا افزایش یابد.

نتایج این تحلیل عاملی این بینش را فراهم آورد که چه صفاتی از افراد می‌تواند شاخصی از خردمندی و غیرخردمندی باشد. افراد خردمند کسانی هستند که اندیشمند و مردم‌دوست هستند. در مقابل، مردم غیرخردمند افرادی هستند که خودمحور بوده و صفات توأم با کینه‌توزی از خود نشان می‌دهند.

بحث

هدف از مطالعه حاضر بررسی مفهوم خرد با استفاده از صفات شخصیتی بود. نتایج تحلیل عاملی سه عامل را نشان داد: خودمحوری، اندیشمندی، مردم‌دوستی. عامل‌های به دست آمده با عامل‌های به دست آمده در سایر مطالعات مشابهت دارد. عامل اندیشمندی (عامل دوم) در این پژوهش با مولفه شناختی (باتجربه، هوش) تاملی (شهود و درونگری) مطالعات دیگر مولفه‌های توانایی استدلال کردن (توانایی منحصرفردی در بررسی مشکل یا موقعیت و حل آن دارد، توانایی بالا در حل مسئله، تفکر منطقی دارد، توانای خوبی در تشخیص درست از نادرست دارد، توانایی بکار بردن دانش در مشکلات ویژه را دارد) (۳) و استفاده سریع از اطلاعات^۱ (باتجربه، در جستجوی اطلاعات بودن) (۵)، مولفه شایستگی کلی (باهوش، آموزش دیده) (۴)، مولفه هوش (هوش، توانایی حل مسئله، نبوغ) (۱۰)، مولفه شایستگی‌ها و دانش (شخص برای دانش و حقیقت ولع دارد، توانایی تحلیل و حل مشکلات و علت‌هایش، تفکرات روشن و ظرفیت ذهنی بالا) (۶) و مولفه اندیشمندی (تحلیل‌گر، آدم‌شناس، شناخت خوب دیگران، اهل تامل، ژرف‌نگر) (۱۱) همخوانی دارد.

عامل مردم‌دوستی (عامل سوم) در این پژوهش با مولفه هیجانی (صلح‌جو، فهیم، باگذشت) (۳)، مولفه دانایی (نگرانی برای دیگران، فهیم، منصف، گشوده به یادگیری از دیگران) (۵)، مولفه مهارت‌های میان‌فردی (روش‌های مثبت، محترمانه، و پذیرا با دیگران) (۴)، مولفه گرمی (داشتن شوخ‌طبعی، مهربانی، دلسوزی، سرزندگی) (۱۰)، و مولفه مردم‌دوستی (شوخ‌طبع، خوش‌رو، مهارت‌های ارتباطی، خوش‌برخورد) (۱۲)، همخوانی دارد.

انتخاب صفات مثبت و منفی این امکان را فراهم آورد تا بتوانیم علاوه بر خردمندی، بی‌خردی را نیز درجه‌بندی کنیم. وارد کردن صفات منفی به عنوان شاخصی از افراد بی‌خرد این امکان را فراهم آورد تا درباره صفاتی که توصیف‌کننده افراد بی‌خرد هستند اطلاعاتی به دست آوریم. به طور ویژه، دریافتیم شخصی که به عنوان کینه‌توز، تندخو، عصبی، بدبین، خودخواه و غیره تصور می‌شود به طور کلی نمی‌تواند به عنوان شخص خردمند تصور شود. این پژوهش همچون پژوهش هارشی و فارل (۱۳) و بر خلاف سایر پژوهش‌های صورت گرفته به صفات منفی که افراد بی‌خرد را توصیف می‌کند، توجه کرده است.

پژوهش حاضر همچون سایر پژوهش‌های ذکر شده نشان داد که خرد سازه‌ای چندبعدی است و ترکیبی از عناصر شناختی و تاملی (اندیشمندی) و هیجانی (مردم‌دوستی) در آن نقش دارند (۱۴).

خرد از سایر توانمندی‌های انسان متفاوت است زیرا مستلزم هماهنگی ذهن و فضیلت، عقل و منش است. این هماهنگی منجر به چشم‌اندازی یکپارچه و کلی از زندگی می‌شود. خرد به عنوان یکپارچگی استدلال و رفتار، تجسم دانش ضمنی و نمادین است که به سبکی گشوده و عمیق به یک زندگی واقعی خیرخواهانه می‌پردازد، که در نهایت می‌تواند امکان شکوفایی انسان را در مسیری مثبت فراهم نماید. امیدواریم پژوهش حاضر توانسته باشد نشان دهد که خرد مفهومی منحصر به فرد است و در پژوهش‌های روانشناختی معاصر شایسته جایگاه محوری است.

نتیجه‌گیری

^۱Expeditious Use of Informations

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مفهوم خرد یک مفهوم چندبعدی است. این تحلیل عاملی این بینش را فراهم آورد که چه صفاتی از افراد می‌تواند شاخصی از خردمندی و غیرخردمندی باشد. مردم خردمند افرادی اندیشمند و مردم دوست هستند. در مقابل، مردم غیرخردمند افرادی هستند که خودمحور بوده و صفات توأم با کینه‌توزی نشان می‌دهند.

References

1. Mashayekhi M. [Its wisdom and happiness in compliance with the poetry of the poet Ferdowsi's Shahnameh and Persian and Arabic languages]. *Comparative literature* 2008; 3: 213-33. (Persian)
2. Sternberg R. [Training wisdom, intelligence, creativity and success]. Malek Mohammadi H. (translator). Tehran: Venus; 2015. (Persian)
3. Clayton V, Birren JE. The development of wisdom across the life span: A re-examination of an ancient topic. In: Baltes PB, Brim OG. (editors). *Life-span development and behavior*. New York: Academic Press; 1980: 103-35.
4. Holliday SG, Chandler MJ. *Wisdom: Explorations in adult competence*. New York: Karger; 1986.
5. Sternberg RJ. Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom. *J Pers Social Psychol* 1985; 49: 607-27.
6. Yang SY. Conceptions of wisdom among Taiwanese Chinese. *J Cross-Cultur Psychol* 2001; 32: 662-80.
7. Sarmad G, Bazargan, AS, Hijazi A. [Research methods in the behavioral sciences]. Tehran: Cognizant; 2000. (Persian)
8. Kaiser HF. An index of factorial simplicity. *Psychometrika* 1974; 39: 31-6.
9. Myers AS, Gamst G, Garynv J. *Applied Multivariate Research*. Pasha Sharifi H. (translator). Tehran: Roshd; 2012. (Persian)
10. Jason LA, Reichler A, King C, Madsen D, Camacho J, Marchese W. The measurement of wisdom: A preliminary effort. *J Commun Psychol* 2001; 29(5): 585-98.
11. Malek Mohammadi H, Hashemi Azar Pilerud ZH, Beige, Pezeshk SH, Sarrami GhR. Qualitative and quantitative evaluation of the concept of reason is based on nonlinear analysis. *Psychology of exceptional individuals* 2014; 4: 81-102. (Persian)
12. Malek Mohammadi H, Hashemi Azar Pilerud ZH, Beige Pezeshk SH, Sarrami GhR. [Broken relationship with personality factors in adults]. *Proceedings of the First Congress of the Humanities and social damage*. 2014. (Persian)
13. Douglas HA, Farrell AH. Perceptions of wisdom associated with selected occupations. *Curr Psychol* 1997; 16(2): 115.
14. Birren JE, Fisher LM. The elements of wisdom: overview and integration. In: Sternberg RJ. (editor). *Wisdom, its nature, origins and development*; Cambridge: Cambridge University Press; 1990: 317-32.

